



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

ریش تراشی
از دیدگاه
فک و عت

حضرت آیه الله حیدر تریبی کربلائی
حضرت آیه الله حیدر تریبی کربلائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ریش تراشی از دیدگاه قرآن و عترت

نویسنده:

حیدر تربتی کربلایی

ناشر چاپی:

مolf

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
ریش تراشی از دیدگاه قرآن و عترت	۸
مشخصات کتاب	۸
اشاره	۸
برخی از تالیفات فارسی حضرت آیت الله شیخ حیدر تربتی کربلائی مد ظله	۱۰
فهرست مطالب	۱۳
مقدمات	۱۷
اشاره	۱۷
آنان که امرهدایت گری بر عهده دارند	۲۳
و هرگز نیاز ندارد به روز شود ...	۲۴
در این واویلائی گناه چه کنیم؟	۲۶
ریش تراشی از دیدگاه قرآن کریم	۲۸
ریش تراشی از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السلام	۳۰
۱- فطرت اسلام	۳۰
۲- پروردگارم مرا امر فرموده تا...	۳۰
۳- شبیه یهودیان نباشید	۳۱
۴- آن جا که امیرالمؤمنین علیه السلام بر مسند قضاوت می نشیند	۳۱
اشاره	۳۱
دلالت علماء	۳۱
۵- پس مسخ شدند...	۳۱
اشاره	۳۱
دلالت علماء	۳۳
۶- قوم لوط و هلاکت	۳۳
۷- از ما نیست ...	۳۳

۳۳ اشاره

۳۴ توضیح:

۳۴ ۸- شهادت می دهم از او راضی نیستم

۳۴ ۹- این جا نامحرم، آن جا محروم

۳۴ اشاره

۳۵ سخن پایانی

۳۷ رساله دیگری حکم ریش تراشیدن مردان

۳۷ اشاره

۳۷ سؤال: بفرمایید در دین مبین اسلام حکم تراشیدن ریش با تیغ چیست؟

۳۷ جواب

۳۷ اشاره

۳۸ دلایل بر حرمت تراشیدن ریش

۳۸ دلیل اول: قرآن کریم

۳۸ آیه اول:

۳۸ آیه دوم:

۳۹ آیه سوم:

۴۱ دلیل دوم: حدیث و سنت مطهره محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله

۴۱ اشاره

۴۱ نبوی مشهور در تشته به جنس مخالف

۴۱ اشاره

۴۳ دلالت این حدیث:

۴۴ حدیث مثله کردن

۴۴ روایت حبابه والبیه

۴۴ اشاره

۴۶ دلالت این حدیث:

۴۶ روایت وجوب دبه

روایات امر به إعفاء اللجی و عدم تشبه به کفار و... ۴۸

روایت فرستادگان کسری ۴۸

اشاره ۴۸

نکاتی لازم به ذکر: ۵۰

نتیجه: شکی نیست که ریش تراشی حرام است و ریش گذاشتن واجب است. ۵۲

درباره ریش پروفیسوری ۵۳

موهای گونه ها ۵۵

درباره مرکز ۵۷

ریش تراشی از دیدگاه قرآن و عترت

مشخصات کتاب

ریش تراشی از دیدگاه قرآن و عترت

حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی

سرشناسه: ریش تراشی از دیدگاه قرآن و عترت

نام پدیدآورنده: حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی

تایپ و ویرایش: محدثه تربتی

طرح جلد: محدثه تربتی

ارتباط گیری با نویسنده

رایانامه : Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

وبگاه : Torbatikarbalaee.loxblog.com

شماره تماس : 09137004612

خیراندیش دیجیتال : انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره

ریش تراشی از دیدگاه قرآن و عترت

حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی

ص: 2

برخی از تالیفات فارسی حضرت آیت الله شیخ حیدر تربتی کربلائی مد ظله

از برکه غدیر تا بی کران عاشوراء

امامت اصل اصول دین محمدی صلی الله علیه وآله

فاطمه علیها السلام حجة الله علی الحجج

تولی و تبری اساس توحید

ترجمه زیارات ذبیح آل محمد صلی الله علیهم العاشورائیه

حجاب (نگاه، پوشش و روابط) از دیدگاه قرآن و عترت

ربا، اعلان جنگ با الله و رسولش

ریش تراشی از دیدگاه قرآن و عترت

غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن و عترت

پاک نهاد دیرین حضرت زهیر بن القین علیه السلام علوی (دفاعیه)

پرسش و پاسخ جلد 1 پرتوی حق (پاسخ شیعه به شبهات وارد شده از جانب وهابیان)

پرسش و پاسخ جلد 2 (جبر، عصمت انبیاء، علم و عصمت اهل بیت علیهم السلام)

پرسش و پاسخ جلد 3 فضل طینت نور (در عزاداری)

پژوهشی نو پیرامون حدیث شریف کسای یمانیه به روایت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

پژوهش و واکاوی منابع، سند، اعتبار و متن زیارت جامعه کبیره (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند، اعتبار و متن زیارت عاشوراء معروفه (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند، اعتبار و متن زیارت عاشوراء ناحیه مقدسه مهدیه (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند، اعتبار و متن حدیث شریف کساء یمانیه

پژوهش و واکاوی منابع، سند، اعتبار و متن دعای صنمی قریش

حریم و حیا (نگاه مولانا المهدی عجل الله فرجه)

حضرت حر آزادمرد شهید علیه السلام حسینی (دفاعیه)

حلاج مرتدی به دار آویخته (رد تصوف و فلسفه)

حور و آتش (دفاع از حضرت فاطمه و خدیجه سلام الله علیهما)

در محضر فقیه معارفی: جلد 1 و 2 و 3 مجموعه ای نفیس از پاسخ به سؤالات و شبهات؛

معارفی، قرآنی، فقهی، تاریخی، حدیثی، درایه و منبع شناسی

زیارت های مولانا السقاء ابوالفضل العباس علیه السلام

گزیده ای از فقه طه و آل یاسین علیهم صلوات الله:

جلد 1 یکصد و ده حدیث معارفی

جلد 2 کتاب طهور، عبادات و ... (فقهی فتوائی)

جلد 3 معاملات و ... (فقهی فتوائی)

جلد 4 حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام

جلد 5 مناسک حج و عمره (فقهی فتوائی)

جلد 6 آداب حج و عمره، اعمال و دعاهاى مستحب

و ...

ص: 4

مقدمات...7

آنان که امرهدایت گری بر عهده دارند...12

و هرگز نیاز ندارد به روز شود...13

در این واویلای گناه چه کنیم؟...15

ریش تراشی از دیدگاه قرآن کریم...17

ریش تراشی از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السلام...19

1- فطرت اسلام

2- پروردگارم مرا امر فرموده تا ...

3- شبیه یهودیان نباشید...20

4- آن جا که امیر المؤمنین علیه السلام بر مسند قضاوت می نشیند

دلالت علماء

5- پس مسخ شدند ...

توضیح

دلالت علماء...21

6- قوم لوط و هلاکت

7- از ما نیست

توضیح...22

8- شهادت می دهم از او راضی نیستم

9- این جا نامحرم، آن جا محروم

توضیح

سخن پایانی...23

رساله دیگری...25

سؤال: حکم ریش تراشیدن مردان با تیغ در اسلام

جوابیه...26

دلایل بر حرمت تراشیدن ریش

دلیل اول: قرآن کریم

آیه اول:

آیه دوم:

آیه سوم...27

دلیل دوم: حدیث و سنت مطهره محمد و آل محمد صلی الله علیهم...27

نبوی مشهور در تشبیه به جنس مخالف

دلالت این حدیث:...29

نتیجه

حدیث مثله کردن:...30

حدیث حبابه والیه

دلالت این حدیث...31

روایت وجوب دینه

روایات امر به إعفاء لحدی و عدم تشبیه به کفار و...32

روایت فرستادگان کسری

نکاتی لازم به ذکر...33

نتیجه...34

درباره ریش پروفیسوری...35

نتیجه

موهای گونه ها...36

پی نوشت ها...38

ص:6

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وأفضل الصلوات والتحيات على محمد وآله الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم وظالميهم، وغاصبي حقوقهم ومخالفينهم، و منكري فضائلهم ومناقبهم، ومدعي شئونهم ومراتبهم، والراضين بذلك من الأولين والآخرين.

الله تعالى می فرماید:

«قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى...» (1)

بگو (ای پیامبر!) همانا شما را به يك چیز پند می دهم، این که برای الله دوتا دوتا و تک تک بپاخیزید

و الله تعالى انسان را خلق نمود و خود آگاه است که طبیعت واقعی انسان (2) به چه چیز گرایش دارد و پاسخ صحیح به این گرایش ها کدام است. و این از لطف او بود که پاسخ به این نیازها را در قالبی به نام دین نهاد تا بشر بداند، آنچه را باید بداند.

آنچه با نام ارزش های معنوی تلقی می شود، فقط یک گفتار نیست، سیره ای است که در کلام خلاصه شده و با جاری شدن آن در جامعه پرتوهای هدایت تابش می گیرند و راه را روشن می کنند. راهی که برای پیمودن آن آمده ایم. راهی که انتهای آن مردی است از تبار نور، مردی راست قامت و مهربان، که همه ما روزی باید پاسخگوی او باشیم.

روزی باید ببینیم چطور جواب محبت های او را داده و چه به درگاهش می بریم. (3)

ص: 7

1- سوره (34) سبأ آیه 46.

2- سوره (30) روم آیه 31: فَطَرَتِ اللَّهُ التِّي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا.

3- سوره (19) توبه آیه 105: وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

دانستن این موضوع که نافرمانی از آنچه تحت عنوان وحی از آن یاد می شود، چه تبعات و آثاری را به دنبال دارد، بسیار مهم است. زیرا از این جاست که پی می بریم خداوند نیازی به من و ما ندارد و خود قادر مطلق است و اگر فرمان او را بردیده نهمیم، رستگار خواهیم بود و چنانچه نافرمانی او را سرلوحه رفتار کنیم، خود و خانواده و جامعه خود را درگیر آثار زیانبار این نافرمانی کرده ایم.

آنچه امروزه شاهد آن هستیم، چیزی جز ندانستن، رسیدگی نکردن یا لجبازی بدون علم، نیست؛ لجاجتی که به دنبال ناآگاهی از سیمای واقعی وحی به وجود آمده. و این من و ما هستیم که باید به آنان که نمی دانند، بگوئیم تا بدانند و به آنان که گوشزد نمی کنند، بگوئیم تا آگاه باشند و به آنان که سیمای واقعی وحی را ندیده اند، نشان دهیم آنچه را که می توان دید و همه به هم کمک کنیم تا رنگ ها عوض شوند و سمت و سوها، یک جهت واحد بگیرند و به درستی که این جهت همان است که خداوند تعیین فرموده، همان که خداوند خود فرمود تبعیتش کنید تا رستگار شوید. (1) راه مردی که گناهان من قلبش را به درد می آورد و اشک را از چشمانش جاری می سازد.

امام عزیزی که شاید هرگز او را ندیده باشیم ولی قلب هایمان را صاحب است.

امروز آنچه ما را از واقعیت دین دور می کند «توجیه گناه» و «تفسیر» هایی است که شیطان می پسندد، اما خدا آن را قصد ننموده، هوس های آلوده آن را زیبا می بینند، اما قلب امام عزیزمان را به درد می آورد.

شیطان هر زمان حربه ای جدید می سازد و هر روز به شکلی در می آید.

باید دانست که او از کار نمی نشیند و می خواهد آخرین تلاش خود را برای گمراه نمودن انسان، به کار بندد. دنیای او صحنه نمایشی است که امروزه با بیان لغات و بازی با الفاظ آن را اجرا می کند. و می بینیم در این زمان، که سخن از فکر روشن و روشنفکری است، از این راه به دل های پاک جوانان نفوذ کرده و آنان را غافل می نماید و گمراه می کند و سپس برای این که آنان را از سرزنشهای نفس لوامه یا همان وجدان برهاند، گناهان را برایشان «توجیه» می کند ... و

ص: 8

1- سوره (6) انعام آیه 154: وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ^م وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ^ع ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

اینجاست که دیگر تصورش را هم نمی توان کرد که جامعه به چه شکلی در خواهد آمد؟

آیا دیگر حتی می تواند لباس زیبای لفظ را که خود سرپوش گناهِش قرار داده، در آورد و زشتی گناه را ببیند و باور کند؟ دیگر حربه ای جدید به میدان آمده، که نام آن را «دلیل» می گذارد، در حالی که واقعیت آن را نمی بیند و نمی داند «دلیل» را جایگزین «توجیه» کرده و مصمم ادامه میدهد...، تا نا کجا آباد

روی سخن با همه ماست، همه ما، کسانی که خود را پیرو مکتب علوی می دانند، آنان که قرآن را در میان دست های خود می گیرند و تلاوت می کنند و می خواهند عمل کنند، اما ... شاید راه را گم کرده اند.

اصل مستم این است که خداوند متعال، آفریدگار مهربان جهان، آنچه را پاک است و سودمند، حلال و آنچه را ناپاک است و برای حیات مادی و معنوی بشر زیانبار، حرام نموده است. و این یکی از الطاف اوست. همچنان که در قرآن کریم فرموده است:

«وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ». (1)

و خداوند برای ایشان آنچه را پاک بود، حلال و آنچه را ناپاک بود، حرام نمود .

او پیامبران الهی و جانشینان آنان را برای بیان حلال و حرام فرستاد و به وسیله متابعت از فرمان ایشان، پاک را از ناپاک جدا می کند: «لِيَمَيِّرَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ» (2)، و خدا با لطفی که در حق ما روا داشته، راه را به وسیله ایشان نمایان می سازد. قرآن را می فرستد تا هدایت باشد و اهل بیت را می فرستد تا معنای این هدایت را بیان کنند.

و ابلاغ را به پیامبر امر می فرماید تا کسی نگوید نمی دانستم یا نفهمیدم. (3)

او برای دانستن و فهمیدن تک تک ما، راهی گذاشته است، و آن را به لطف خود با چهارده خورشید و ماه و ستاره آذین بسته تا همه راه را ببینند و بخواهند تا هدایت شوند (4)

فضای نفس کشیدن ما باید پاک باشد تا بتوانیم نفس بکشیم، غذایی که می خوریم باید پاکیزه باشد تا با خوردن آن بیمار نشویم، برای استراحت و رفع خستگی نیاز به محیطی آرام برای

ص: 9

1- سوره (7) الأعراف آیه 158.

2- سوره (8) الأنفال آیه 38.

3- سوره (4) النساء آیه 14: ... وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ سوره (4) النساء آیه 60: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا سوره (4) النساء آیه 70: وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا سوره (4) النساء آیه 81: مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا. سوره (24) النور آیه 53: وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشِ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ. سوره (33) الأحزاب آیه 72: ... وَ

مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا. سورہ (48) الفتح آیہ 81: ... وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ مَنْ
يَتَوَلَّ يُعَذِّبُهُ عَذَابًا أَلِيمًا

4- سورہ (76) الدهر (الإنسان) آیہ 4: إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

تسکین روح داریم، برآستی! چرا راهی را نپیماییم که همانا همه خوردن و خوابیدن ها و نفس کشیدن ها را برای پیمودن آن خلق کرده اند؟!

ما آمده ایم تا بمانیم. (1)

از این رو است آن جا که می بینیم گناهی رخ می دهد، گویا نفس کشیدن . که مایه و لازمه تداوم حیات ماست . برایمان عذاب آور است، و گویا احساسمان می گوید: سینه ام برای تحتل این عذاب تنگ می آید... و می خواهیم هر طور شده خود را خلاص کنیم

پس بیایید همه با هم تلاش کنیم تا خود، خانواده و اجتماعمان را پاک نگه داریم، بیایید به هم کمک کنیم تا بتوانیم فضای کشور اهل بیت اطهار، ایران را از آلودگی های اخلاقی پاک کنیم و همان شویم که او می خواهد ... (2)

گناهیانی چون بی حجابی ، ربا، شطرنج و موسیقی از جمله گناهیانی هستند که بستر انجام بسیاری از گناهان دیگر را فراهم می آورند و این از مکر شیطان است که زشتی را زیبا جلوه دهد تا آن که ربا می خورد، از ربا خوردن لذت ببرد و هوس آلوده آن که تربیت شده مکتب وحی نیست از نگاه حرام، لذت ببرد و آنکه پا در عرصه شطرنج یا موسیقی می نهد، احساس کند لذت می برد، درحالی که شیطان زشتی را زیبا جلوه می دهد (3) و آن گاه که دست انسان از همه جا قطع شد، خود را به کناری کشیده، سخن از اختیار به میان می آورد (4)

و انسان را از یاد خدا - که همانا تمام زیبایی است - غافل می سازد، تا آن جا که می تواند گناه کند و از خدا دور شود، تا به حدی برسد که دیگر نیاز به تلاش او نباشد، تا آن قدر نفس او را بروی مسلط سازد که بتواند رو در روی امام خویش بایستد

آنچه در این کتاب آمده است در واقع سخن خدا و پیامبر و اولیاء اوست ، کلام پروردگار متعال پیرامون موضوع حجاب. و در ذیل آیات، گزیده ای از احادیث پیرامون موضوع ریش تراشی ذکر شده که محققین محترم جهت اطلاع بیشتر به مصادری که مختص به آنها است، مراجعه نمایند. احادیث از معتبرترین کتاب های حدیثی و فقهی آورده شده است و برای ترجمه نمودن

ص: 10

1- بحار الأنوار: ج 6 ص 249 ب 8 و ج 58 ص 78: النبي صلى الله عليه و آله: «مَا خُلِقْتُمْ لِلْفَنَاءِ بَلْ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ، وَإِنَّمَا تُتَقَلَّبُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: شما برای نابود شدن آفریده نشده اید، بلکه آفریده شده اید تا بمانید و جاودانی شوید و همانا از خانه ای (دنیا) به خانه دیگر (آخرت) منتقل می شوید. و در کتاب غرر الحکم: ص 133 ح 2291: «إِنَّمَا خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ وَ إِنَّا فِي دَارٍ بُلَّغَهُ وَ مَنَزِلٍ قُلَّعَهُ».

2- اذنت كما أحب فاجعلني كما تحب». امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پروردگارا! تو همانطوری که من دوست دارم، مرا هم همانگونه کن که خود دوست می داری. الخصال: ج 2 ص 420، روضة الواعظین: ج 1 ص 109، بحار الأنوار: ج 74 ص 402 ب 15 و ج 91 ص 92 ب 32.

3- سوره (6) الأنعام آیه 44: فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَ لَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

4- سوره (14) ابراهیم علیه السلام آیه 23: ... وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَ لَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ

متن احادیث، اقدامی دقیق به انجام رسانده ایم.

برای آنان که کلام اهل بیت اطهار علیهم السلام قلب هایشان را صیقل داده و نورانی می کند، پیش از آغاز متن کتاب، سه قسمت آورده شده:

تا بدانیم خداوند، قرآن را نازل کرد و عترت را خلق نمود تا ما، راز سعادت ابدی را از آنان جويا شویم...، آنان که امر هدایتگری را به عهده دارند.

و بدانیم آنچه را برای پیمان برای پیمودن این مسیر توشه نهادند، تا ابد کفاف سعادتیمان را می دهد و هرگز نیاز ندارد به روز شود، و یا اگر به روز نبود نتواند پاسخگو باشد، و هرگز نسخه ای از قرآن با ویرایش و اضافات، چاپ نخواهد شد و همان قرآنی که بر قلب پیامبران نازل گشت برای خوشبخت شدن، خوشبخت باقی ماندن، و عاقبت به خیر شدن همه ما کفایت می کند. هیچ نیازی بی پاسخ باقی نمانده که ما بخواهیم برای پاسخ گویی به آن دست به دامن بیگانه شویم و یا خود را اسیر هوس های آلوده دیگران کنیم یا به شیطان پناه ببریم، بلکه خداوند به ما می آموزد تا از شیطان به او پناه ببریم.

و بدانیم که در این اوایل گناه چه کنیم تا نگاه آن مرد پاک از آن سلاله پاک را برای خود بخریم و چه کنیم تا پاک به درگاهش زانو زده، دست او را ببوسیم و از حمایتگران او باشیم. تا آن روز که آمد، اگر بودیم، از ما روی نگرداند و مبادا ما از او روی بگردانیم... چرا که تنها غصه چنین کابوسی برای مردن تک تک ما کفایت.

و این تنها تذکری است برای آنان که ایمان آورده اند:

«وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»⁽¹⁾

یادآور شو، بدرستی که تذکر مؤمنان را سود می بخشد.

و در پایان همه ما را بس است که تحفه ای به عنایت او به درگاهش ببریم و او لطف کند و یک شاخه گل لبخند را از روی لب هایش به ما هدیه دهد... به خدا سوگند که دنیا و آخرت همه ما را کفایت می کند.

ص: 11

«اللَّهُمَّ... وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتَيْهِ، وَآمْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاةٍ، وَهَبْ لَنَا زَافَتَهُ وَرَحْمَتَهُ، وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ، ...» (1)

لازم به ذکر است که صبیبه فاضله ام در تنظیم و تایپ و ویرایش و بازنویسی کتاب یاری ام نموده اند، و امیدوارم این عمل صالح وی مورد قبول ولی الله الأعظم صلوات الله علیه قرار گیرد.

آنان که امرهدایت گری بر عهده دارند

در بسیاری از کتب حدیث و تفسیر و تاریخ شیعیان اهل بیت علیهم السلام و پیروان خلفاء با سندهای بسیار و از حد تواتر گذشته و صحیح، به روایت اهل بیت علیهم السلام و دوستان ایشان و حتی دشمنان آنان، حدیث گرانقدر ثقلین آمده است که پیامبر گرامی اسلام حداقل در پنج موقعیت و همچنین در آخرین لحظات زندگی خویش، در بستر بیماری، از آن سخن به میان آورده اند، و این جا به ذکر یک حدیث از آن ها بسنده می کنیم

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثَرْتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ قَدْ عَاهَدَ إِلَيَّ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كَهَاتَيْنِ - وَ جَمَعَ بَيْنَ مُسَبِّحَتَيْهِ - وَ لَا أَقُولُ كَهَاتَيْنِ - وَ جَمَعَ بَيْنَ الْمُسَبِّحَةِ وَ الْوَسْطَى - فَتَسْبِقُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَا تَزِلُّوا وَ لَا تَضِلُّوا وَ لَا تَقْدَمُوهُم فَتَضِلُّوا ...» (2)

بدرستی که دو چیز را برای شما به یادگار می گذارم، تا آن هنگام که به آن دوروی آورید (از ایشان پیروی نمایید)، هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خداوند و عترتم، اهل بیت من، زیرا خداوند مهربان و آگاه با من عهد نموده است آن دو تا زمانی که در کنار حوض کوثر بر من همچون این دو انگشتم (و پیامبر آن گاه میان دو انگشت کنار شست جمع فرمود)

ص: 12

1- فرازی از دعای شریف ندبه که از امام جعفر صادق و حضرت صاحب الأمر علیهما السلام نقل شده است.

2- الکافی: ج 2 ص 414 باب أدنی ما یكون به العبد مؤمنا ... ح 1.

وارد شوند و نه همچون این دو انگشت (و میان انگشت اشاره و وسط جمع نمود) و هیچکدام از آن دو بر دیگری پیشی نخواهد گرفت. پس به آن دو چنگ زنید (آنچه امر می فرمایند، پیروی نمایند) و دور و گمراه نشوید و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد.

نتیجه: خداوند برای ما اهل بیته را در کنار قرآن قرار داده که آنچه می گویند، و آنچه عمل می کنند و آنچه را تایید می نمایند، همان است که خداوند فرموده است. کلام مولایمان پیامبر بسیار ظریف است: «دور و گمراه نشوید، و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد»،

....

و هرگز نیاز ندارد به روز شود ...

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: جدم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ حَلَالٌ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامٌ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَلَا وَقَدْ بَيَّنَّهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْكِتَابِ وَ بَيَّنَّهُمَا لَكُمْ فِي سُنَّتِي وَ سِيرَتِي وَ بَيَّنَّهُمَا شُبُهَاتٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ بَدْعٌ بَعْدِي مَنْ تَرَكَهَا صَلَحَ لَهُ أَمْرُ دِينِهِ وَ صَدَّ لِحْتَهُ لَهُ مَرْوَةٌ وَ عَرَضُهُ وَ مَنْ تَلَبَّسَ بِهَا وَقَعَ فِيهَا وَ اتَّبَعَهَا كَأَنَّ كَمَنْ رَعَى غَنَمَهُ قُرْبَ الْحِمَى وَ مَنْ رَعَى مَا شَاءَ يَتَّيْتُهُ قُرْبَ الْحِمَى نَازَعَتْهُ نَفْسُهُ إِلَى أَنْ يَرْعَاهَا فِي الْحِمَى أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى أَلَا وَ إِنَّ حِمَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَحَارِمُهُ فَتَوَقَّؤْا حِمَى اللَّهِ وَ مَحَارِمَهُ» (1)

ای مردم! حلال من (آنچه را به امر خداوند حلال نموده ام) تا روز قیامت حلال است، و حرام من (آنچه را به امر خداوند حرام نموده ام) تا روز قیامت حرام است، آگاه باشید که خداوند آن ها را در قرآن بیان نموده، و من در سنت و سیره ام آن ها را بیان نموده ام. در میان آنها شبهه هایی از شیطان، و بدعت هایی پس از من است، هر کس این شبهه ها و بدعت ها را ترک نماید، امر دین، مروت و آبروی خود را نیکو قرار داده است، و هر کس خود را به آن آلوده کند، و در پی بدعتها برود، مانند کسی است که گوسفندان خود را نزدیک مرز (حصار) چراگاه می چرانند، نفس او و سوسه اش می کند که آن ها را در چراگاه پس مرز نیز بچرانند. آگاه باشید سرزمین هر پادشاهی

ص: 13

1- کنزالفوائد، کراچی: ج 1 ص 352، وسائل الشیعة: ج 27 ص 169 ب 12 ح 33518، بحار الأنوار: ج 2 ص 260 ب 31 ح 17 و ج 71 ص 28 ب 18 ح 7، مستدرک الوسائل: ج 12 ص 217 ب 14 ح 13924-2.

مرزی دارد، و مرز خداوند محرمات (ممنوعیت های) اوست، پس مراقب مرزهای فرمان ها و محرمات او باشید.

و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَحِيءُ غَيْرُهُ. قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَحَدٌ ابْتَدَعَ بَدْعَةً إِلَّا تَرَكَ بِهَا سُنَّةً»⁽¹⁾

آنچه حلال محمد است برای همیشه تا روز قیامت حلال است، و آنچه حرام محمد است برای همیشه تا روز قیامت حرام است، و جز این نمی شود، و نباید بشود. و حضرت علی علیه السلام فرمودند: کسی نیست که بدعتی را بنیان نهد مگر این که سنتی را ترک کرده باشد.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«مَا خَلَقَ اللَّهُ حَلَالًا وَلَا حَرَامًا إِلَّا وَ لَهُ حُدٌّ كَحُدِّ الدَّوْرِ وَإِنَّ حَلَالَ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ...»⁽²⁾

خداوند متعال حلال و حرامی را نیافریده است مگر این که برای آن حد و مرزی مانند خانه ها قرار داده است، و بدرستی که حلال محمد حلال است تا روز قیامت، و حرام محمد نیز حرام است تا روز قیامت،

نتیجه: احکام شرعی بخش عظیمی از دین کامل اسلام هستند که سعادت همیشگی انسان را تضمین نموده، و دستورات خداوند است که از نیازهای مادی و معنوی بشر آگاهی کامل دارد و او را سعادت مند می خواهد.

احکام مطهر اسلام از استاندارد الهی برخوردار هستند و هیچ خطا و اشتباهی در آنها نیست. زمان و دگرگونی های آن نباید هیچگونه تغییری در آنها ایجاد کند، و نباید تابع زمان و مقتضیات آن باشند، تا بتواند سعادت ابدی را برای بشر به ارمغان آورد، در هر زمان و هر مکان.

ص: 14

1- الکافی: ج 1 ص 58 باب البدع والرأي والمقاييس ... ح 19.

2- بصائر الدرجات: ص 148 ب 13 ح 7.

در این وایلی گناه چه کنیم؟

حضرت خاتم الأنبياء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي، فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ، فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (1)

آن زمان که بدعت ها در میان امتم آشکار گردند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند، هر کس به این وظیفه خود عمل ننماید؛ لعنت خداوند بر او باد.

و فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ وَ إِلَّا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ» (2)

آن زمان که بدعت ها در میان امتم آشکار شود، بر عالم واجب است علم خود را آشکار سازد (بیان حقائق شرعی کند)، و گر نکند لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر او باد.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا ظَهَرَ فِيكُمْ الْبِدْعُ حَتَّى يَرْبُوا فِيهَا الصَّغِيرُ وَيَهْرُمُ الْكَبِيرُ وَيَسْلَمَ عَلَيْهَا الْأَعْجَمُ وَإِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ قِيلَ سُنَّةٌ وَإِذَا عَمِلَ بِالسُّنَّةِ قِيلَ بَدْعَةٌ؟!» (3)

حال شما چگونه است هنگامی که بدعت ها در میان شما آشکار گردد، تا آن که کودکان با آن بزرگ می شوند، و بزرگان با آن پیر می گردند، و بیگانگان بر آن (دین آلوده به بدعت ها) اسلام می آورند، و وقتی بدعت ها آشکار شدند، به آن ها سنت گفته شود، و هنگامی که به سنت عمل شود، (به آن) بدعت گفته شود.

از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام روایت شده که فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَلَبَ نُورَ»

ص: 15

1- لکافی: ج 1 ص 54 باب البدع و... ح 2، عوالی اللآلی: ج 4 ص 70 جمله 2 ح 39، نهج الحق: ص 37، منیة المرید: ص 186، وسائل الشیعة: ج 16 ص 269 ب 40 ح 21538، بحار الأنوار: ج 105 ص 15 اجازة 28.

2- بحار الأنوار: ج 54 ص 234.

3- إرشاد القلوب: ج 1 ص 69 ب 17.

آن زمان که بدعت‌ها آشکار شوند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند، اگر (با بدعت‌ها مبارزه) نکند نور ایمان از او گرفته خواهد شد.

پذیرفتن این که خدایی یکتا وجود دارد و او تنها وجود لایق پرستش است، کار سختی نیست. مشکل کنار گذاشتن غیراوست، اگر غیر او را، غیر او ببینیم و بدانیم. وقتی کسی کار زشتی را مرتکب می‌شود، اگر آن اشتباه را زشت نپندارد، اصلاً اشتباهی نمی‌بیند، که بخواهد رهاش کند، و امروز ما به این بلای عظیم گرفتار آمده ایم. گناهان وجهه شرعی پیدا کرده‌اند و دیگر نمی‌آییم بگوییم فلان کار حرام است، فقط باید بگوییم: حلال نیست، تا بلکه شکل حلال بودن به خود نگیرد.

و متأسفانه یکی از این گناهان، ریش تراشی است، که در میان مسلمانان رایج شده و به شکل‌های گوناگون صورت می‌پذیرد و البته در لباس اسلام.

در این زمینه علمای بزرگوار شیعه رساله‌های مستقل تألیف کرده و حرمت تراشیدن ریش را از ضرورت‌های دین دانسته‌اند و نظر مخالفی ذکر نکرده‌اند.

ما نیز به برخی از دلایل حرمت آن اشاره می‌کنیم، باشد تا گفته باشیم....

ص: 16

1- رجال الكشي: ص 493 ح 946، علل الشرائع: ج 1 ص 235 ب 171 ح ، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 112 ب 10 ح 2، الغيبة، الشيخ الطوسي: ص 63، وسائل الشيعة: ج 16 ص 271 ب 40 ح 21546، بحار الأنوار: ج 48 ص 252 ب 10

آیه کریمه:

«وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مُنِيَّتْهُمْ... وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خُسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (1)

(شیطان گفت): به طور حتم ایشان (انسان ها) را گمراه خواهم کرد و به آرزوهای باطل (و دراز) سرگرم کنم... و آنان را امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند، (اما ای بندگان بدانید) هرکس شیطان را به جای خداوند ولی (وسپرست) گیرد، سخت زیان کرده، زبانی آشکار متن آیه دلالت می کند بر این که ایجاد هرگونه تغییر در آفرینش الهی صورتا یا صفتا، چنانچه بدون اجازه از راه وحی باشد، حرام است. و از جمله این تغییرات است: ریش تراشی، جوان را بی ریش نمودن و هر آنچه مانند آن باشد. این تغییرات در شرع به نام «مثله» شناخته می شود و بنابر تصریح معصومین علیهم السلام ریش تراشیدن نیز از مصادیق «مثله» است و بنابر سیاق آیه معلوم است که هرکس این کارها را انجام دهد از دوستان و یاران شیطان است، مگر اینکه در مورد خاصی اجازه داده شده باشد، چنانچه در مورد شارب فرموده اند: از ته بگیریید چرا که منزلگاه شیطان است.

دلالت علماء

شیخ فقیه بحرانی در کتاب شریف «الحدائق الناضرة» به نقل از ملامحسن فیض کاشانی در

ص: 17

کتاب «الوافي» نوشته است:

وقد أفتى جماعة من فقهاءنا بتحريم حلق اللحية وربما يستشهد لهم بقوله سبحانه حكاية عن ابيس اللعين: «وَلَا مُرْتَهُمُ فَلْيَعْبِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ». همانا گروهی از فقهاء ما شیعیان فتوا به حرام بودن تراشیدن ریش داده اند و چه بسا که دلیل آورند بر آن به سخن خدای تعالی از زبان ابلیس ملعون (که گفت): «وَلَا مُرْتَهُمُ فَلْيَعْبِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ» .

ص: 18

1- فطرت اسلام

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنَّ الْمَجُوسَ جَزُّوا لِحَاهُمُ وَوَقَّزُوا شَوَارِبَهُمْ وَإِنَّا نَجْزُ الشَّوَارِبَ وَنُعْفِي اللَّحْيَ وَهِيَ الْفِطْرَةُ» (1)

همانا گبران ریش را می چیدند و سبیل را بلند می کردند و ما مسلمانان شارب ها (سبیل) را می چینیم و ریش را بلند می گذاریم و این فطرت اسلام است.

2- پروردگارم مرا امر فرموده تا...

حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله به فرستادگان کسری (پادشاه ایران باستان) که ریش خود را تراشیده بودند و سبیل را گذاشته بودند فرمود:

«وَيَلِكُمْ مَنُ أَمْرِكُمْ بِهَذَا؟».

وای بر شما! چه کسی شما را به این کار امر نمود؟

گفتند: رب ما یعنی کسری، حضرت فرمودند:

«لَكِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي بِأَعْفَاءِ لِحْيَتِي وَقَصِّ شَارِبِي» (2)

لیکن پروردگارم مرا به گذاشتن ریش و چیدن شارب امر کرده است.

ص: 19

1- من لایحضره الفقیه: ج 1 ص 130 ح 331، وسائل الشیعة: ج 2 ص 116 ب 67 ح 1659.

2- مستدرک الوسائل: ج 1 ص 407: قال الکازرونی فی المنتقی فی حوادث السنة السادسة بعد أن ذکر کتابة رسول الله صلی الله علیه و آله إلى الملوک وأنه کتب کسری إلى عامل الیمن بازان [بادان] أن یبعثه إليه وأنه بعث کاتبه بانویه ورجلا آخر یقال له خرخسک إليه صلی الله علیه و آله. قال: وکانا قد دخلا علی رسول الله صلی الله علیه و آله و قد حلقا لحاهما و أعفیا شواربهما فکره النظر إليهما و قال:..

3- شبیه یهودیان نباشید

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«حُفُوا الشَّوَارِبَ وَأَعْفُوا اللَّحَى، وَلَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ» (1)

سیل را گود نمایید، و (ریش را کوتاه نکنید و) بلند بگذارید، و شبیه به یهودیان نباشید (نگذارید ریش زیاد بلند شود چون یهودیان).

4- آن جا که امیرالمؤمنین علیه السلام بر مسند قضاوت می نشیند

اشاره

«قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي اللَّحْيَةِ إِذَا حَلَقَتْ فَلَمْ تَبْتِ الدِّيَةَ كَامِلَةً فَإِذَا نَبَتَتْ فُتِلَتْ الدِّيَةَ» (2)

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره تراشیدن ریش قضاوت فرمودند که اگر دو مرتبه ریش در نیامد دیه کامل واجب می شود و اگر رویده شد، باید یک سوم دیه پرداخت شود.

دلالت علماء

شیخ حر عاملی در «وسائل الشیعه» و محقق شیخ علی در «الدر المنثور» برای حرمت تراشیدن ریش به حدیث فوق استدلال کرده اند بدین نحو: انجام دادن هرکاری که سبب وجوب پرداخت دیه گردد، حرام است، و تراشیدن ریش هم از جمله آن موارد است.

5- پس مسخ شدند...

اشاره

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«أَقْوَامٌ حَلَقُوا اللَّحَى، وَقَتَلُوا الشَّوَارِبَ فَمُسَخَّوًا» (3)

اقوامی بودند که ریش می تراشیدند و شارب را پیچ می دادند، (پس به امر خداوند به مارماهی) مسخ شدند.

این حدیث شریف نیز صحیح است و دلالتش آشکار.

توضیح: با توجه به متن حدیث، آشکار است که حضرت در مقام بیان حرمت انجام دادن این کار برآمده اند، بدین نحو: کسی که این کار را انجام دهد استحقاق دارد که خداوند او را به

ص: 20

- ب67 ح 1658 و 1660، بحار الأنوار: ج 73 ص 111 و 112 ب 13 ح 10
- 2- لكافي: ج 7 ص 316 باب ما تجب فيه الدية كاملة ... ح 23، من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 150 ح 5332، التهذيب: ج 10 ص 250
ب 22 ح 23، عوالي اللآلي: ج 3 ص 629 باب الديات ... ح 50.
- 3- الكافي: ج 1 ص 346 ح 3، كمال الدين: ج 2 ص 536 ب 49، وسائل الشيعة: ج 2 ص 116 ب 67 ح 1661، بحار الأنوار ج 62
ص 205 ب 4 و ج 73 ص 112.

صورت مار ماهی و جری (نوعی ماهی حرام گوشت) و مانند این مسخ شدگان، مسخ نماید.

دلالت علماء

گروهی از علماء در حکم به حرمت ریش تراشیدن اکتفا به این حدیث نموده اند، مانند علامه مجلسی در «حلیة المتقین» و شیخ فقیه بحرانی در موسوعه «الحدائق الناضرة» (1) می فرماید:

الظاهر - كما استظهره جملة من الأصحاب كما عرفت - تحريم حلق اللحية لخبر المسخ المروي عن أمير المؤمنين عليه السلام فإنه لا يقع إلا على إرتكاب أمر محرم بالغ في التحريم.

ظاهر- همچنانکه گروهی از علماء شیعه اظهار نموده اند- حرام بودن تراشیدن ریش است، به دلیل خبر مسخ شدن عده ای که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت گردیده است، و همانا مسخ شدن تنها به سبب انجام کار حرامی صورت می گیرد که درباره حرام بودنش تأکید به عمل آمده باشد.

6- قوم لوط و هلاکت

امام حسن مجتبی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمودند:

«عَشْرُ خِصَالٍ عَمِلَهَا قَوْمٌ لُوطٍ بِهَا أَهْلِكُوا وَ تَزِيدُهَا أُمَّتِي بِحَلِّهِ إِيْتَانُ الرَّجَالِ إِلَيَّ أَنْ قَالَ وَ قَصُّ اللَّحْيَةِ وَ طُولُ الشَّارِبِ» (2)

قوم لوط ده کار را انجام دادند و به سبب انجام آن کارها هلاک شدند. امت من بر آن يك صفت دیگر را اضافه خواهند کرد، و یکی از آن ده کار چیدن ریش از ته، و نیز بلند گذاشتن سیبل است.

7- از ما نیست ...

اشاره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ سَلَقَ وَلَا خَرَقَ وَلَا حَلَقَ» (3)

از (امت) ما نیست کسی که بسیار بی حیا و بی پروا سخن بگوید، و مال خود را اسراف

ص: 21

1- الحدائق الناظرة: ج 5 ص 561.

2- مستدرک الوسائل: ج 1 ص 407 ب 40 ح 1005-3 از الجامع الصغیر سیوطی، و او از ابن عساکر.

3- عوالي اللآلی: ج 1 ص 111 الفصل 7 ح 19، مستدرک الوسائل: ج 1 ص 406 ب 40 ح 1004 - 2.

کند (به هدر بدهد)، و ریش را بتراشد.

توضیح:

تو بگو، آیا بدتر از این نیز وجود دارد که پیامبری به یکی از پیروانش که گمان می کند عملش نیکوست، بگوید: تو از من نیستی؟! تصور کن چقدر دردناک است ... و در آن لحظه فقط به دنبال دلیل و برطرف کردن آن است.

8- شهادت می دهم از او راضی نیستم

امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«حَلُّقُ اللَّحْيَةِ مِنَ الْمُثَلَّةِ وَمَنْ مَثَلَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (1)

تراشیدن ریش از مصادیق «مثله» است، و لعنت خداوند بر کسی باد که «مثله» کند.

9- این جا نامحرم، آن جا محروم

اشاره

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ، النَّاتِفُ شَيْبَهُ وَالنَّاكِحُ نَفْسَهُ، وَالْمَنْكُوحُ فِي دُبْرِهِ» (2)

سه گروه هستند که خداوند روز قیامت با آنها سخن نخواهد گفت و نظر رحمت به سوی ایشان نخواهد افکند و برای ایشان است عذابی دردناک؛ کسی که ریش را بکند، و کسی که با خود استمناء کند، و کسی که موطوء شود.

توضیح: غرض معصوم این بیان است: کسی که ریش دارد، خود را بی ریش کند؛ چه به چیدن با قیچی یا تراشیدن با تیغ، یا به هر صورت و وسیله یا ماده دیگری.

دلالت واضح است و کم و زیاد هم در کار نیست، اگر گفته شود کمی از ریش را بتراشد یا مقداری از آن را باقی گزارده و بقیه را بتراشد، باز هم مصداق سخن معصوم خواهد بود، چرا که جزء تابع کل است و تفاوتی نیست که تمام ریش را محو کند یا قسمتی از آن را.

ص: 22

1- الجعفریات: ص 157 مستدرک الوسائل: ج 1 ص 406 ب 40 ح 1003-1

2- وسائل الشیعة: ج 2 ص 130 ب 79 ح 1709.

ای کاش همه ما معنای گناه را می فهمیدیم. چهار حرف بیشتر ندارد ولی چهار ستون بدن را می لرزاند. چه چیز بدتر از این است که خدا نگاه لطف خود را از من بگیرد؟ یا نه، من به او پشت کنم و نخواهم بپذیرم که او برای من نیکویی را می پسندد؟ ... نخواهم بینم که او مرا پاک می خواهد، برای خودش بدون غل و غش، تا امروز دنیایم آباد باشد و وسیله ای برای آباد شدن زندگی جاودانه ام، فراهم سازم؟! ...

براستی مگر زور و زر دنیا چه چیزی با خود دارد و چقدر ارزش و دوام دارد که من بخواهم احساس در سایه لطف خدا بودن را به آن بفروشم؟ آیا اگر همه دنیا از آن ما بود، حاضر نبودیم آن را بپردازیم تا خدا از ما راضی شود؟

فقط همین را بدانیم برای آن مرد از آن سلاله پاک، یک قدم هم برداریم کافست. اگر هر کدام از ما یک قدم بردارد، راهی نمانده، خوب بودن سخت نیست، اما تلاش می خواهد و درک این که این یک قدم ها وظیفه ای است که باید از عهده آن برآییم، خود حکایتی طولانی دارد، پس به جای حرف بهتر است به دنبال عمل برویم.

و در پایان تورا که میدانم قلبت از آن اوست و برای او می تپد به او می سپارم ...

کافی است نگاهی به ادیان نسخ و تحریف شده و پیروان فرقه های گمراه و گمراه کننده بیندازیم و توجه کنیم که چه کسانی هستند که ریش می تراشند و یا مدل های مختلفی

خدا کند که بفهمیم، و اگر فهمیدیم به لطف او، خدا کند که وارد راه شویم، و اگر وارد راه شدیم به لطف او، خدا کند رهایش نکنیم، باز هم به لطف او

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين، ولعنة الله علی أعدائهم أجمعين

حیدر حسین الترتبی الکربلائی عفی الله عن والديه وعنه آمین

جمادی الآخرة 1428 ه.ق

رساله دیگری حکم ریش تراشیدن مردان

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حضرت آية الله شيخ حيدر تربتي كربلائي (مد ظله)

سلام عليكم

سؤال: بفرمایید در دین مبین اسلام حکم تراشیدن ریش با تیغ چیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى أبد الآبدين

والسلام عليكم و على جميع المسلمين أنفسهم

لآل محمد صلوات الله عليهم

جواب

اشاره

- فقهاء امامیه تغمدهم الله تعالى برحمته در حرمت ریش تراشیدن کتاب ها تألیف نموده و یا در ضمن تألیفات خود در فقه متعرض بیان حکم آن شده و دلائلی را مطرح نموده اند، و ما در این جوابیه اهم آن ها را به اختصار بیان می کنیم.

ص: 25

دلیل اول: قرآن کریم

آیه اول:

«إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا * لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا * وَلَا ضِيَاءَ لَنَّهُمْ وَلَا مَنِيئَهُمْ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَسْبِكَنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (1)

(مشرکان) نمی خوانند غیر خدای عالم جز دخترانی را (بتهایی را که نام دختران بر آنها نهاده اند) و نمی خوانند جز شیطان سرکش را * خداوند وی (شیطان) را لعنت کرده و او گفت: به طور حتم از بندگان تو بهره ای معین خواهم گرفت * آنها را گمراه می کنم، و به آرزوهای باطل (و دور و دراز) سرگرم خواهم کرد، و ادارشان میکنم تا گوش چهارپایان را بشکافند و فرمانشان می دهم آفرینش خدایی را تغییر دهند. (اما ای بندگان بدانید) هرکس به جای پروردگار، شیطان را ولی خود قرار دهد، زیان آشکاری کرده است.

تغییر خلق الله معنی وسیعی دارد و شامل تغییر حتی در جسم، و معنوی مثل بدعت گذاشتن در دین و منحرف کردن مسیر مخلوقات از صراط مستقیم می شود، زیرا در کنار بحث ضلالت و خسران مبین مطرح شده است.

و متن آیه دلالت می کند بر این که ایجاد هر گونه تغییر در آفرینش الهی صورتا یا صفتا، چنانچه بدون اجازه از راه وحی باشد، حرام است و ریش تراشیدن از مصادیق تغییر در خلق الله است.

آیه دوم:

«ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (2)

پس به سوی تو وحی کردیم که از دین حنیف ابراهیم پیروی کن؛ زیرا که ابراهیم از

ص: 26

1- سوره (4) النساء: آیه 119 و 120.

2- سوره (16) النحل: آیه 124.

به ضمیمه روایتی که علی بن ابراهیم قمی، بزرگ صحابی امام حسن زکی عسکری علیه السلام در تفسیر خود از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«... ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْحَنِيفِيَّةَ، وَهِيَ الطَّهَارَةُ، وَهِيَ عَشْرَةُ أَشْيَاءَ: خَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الرَّأْسِ، وَخَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الْبَدَنِ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ: فَأَخَذَ الشَّارِبَ، وَإِعْفَاءَ اللَّحْيِ..... فَهَذِهِ الْحَنِيفِيَّةُ الظَّاهِرَةُ الَّتِي جَاءَ بِهَا إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمْ تُنْسَخْ وَلَا تُنْسَخُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَهُوَ قَوْلُهُ «وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» (1).

... سپس الله تعالی بر ابراهیم حنیفیت را فرو فرستاد و آن ده چیز است؛ پنج در سر و پنج در تن است، و آنچه در سر است؛ گرفتن سیبل و رها کردن ریش و فرو خواباندن مو و مسواک کردن و خللال است، و آنچه در تن است؛ ستردن مواز تن و ختنه کردن و چیدن ناخن ها و غسل جنابت و شستشو با آب است که این پنج در تن همان شیوه حنیف است که ابراهیم علیه السلام آورد و نسخ نشده و نمی شود تا روز قیامت، و (تصدیق) آن همان گفته خداوند است که فرمود: (و پیروی کن از کیش ابراهیم که حنیف است).

«إِعْفَاءَ اللَّحْيِ» می شود از حنیفیت حضرت ابراهیم نبی علیه السلام و واجب می شود ریش گذاشتن و نتراشیدن.

آیه سوم:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (2)

پس رو به دین (معتدل و) استوار آور، این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده، تبدیلی در خلق خدا نباشد، این است دین استوار، و لکن بیشتر مردم نمی دانند. این آیه با انضمام حدیث نبوی صلی الله علیه و آله:

ص: 27

1- وسائل الشیعة: ج 2 ص 117 ب 67 ح 1662-5 - الفضل بن الحسن الطبرسی فی مجمع البیان نقلا من تفسیر علی بن ابراهیم: عن الصادق علیه السلام: «... ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْحَنِيفِيَّةَ وَهِيَ عَشْرَةُ أَشْيَاءَ خَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الرَّأْسِ وَخَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الْبَدَنِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ فَأَخَذَ الشَّارِبَ وَإِعْفَاءَ اللَّحْيِ وَطَمَّ الشَّعْرَ وَالسُّوَاكَ وَالْخِلَالَ وَأَمَّا الَّتِي فِي الْبَدَنِ فَحَلَقَ الشَّعْرَ مِنَ الْبَدَنِ وَالْخِتَانَ وَتَقْلِيمَ الْأُظْفَارِ وَالْغُسْلَ مِنَ الْجَنَابَةِ وَالطَّهْوَرَ بِالْمَاءِ فَهَذِهِ الْحَنِيفِيَّةُ الظَّاهِرَةُ الَّتِي جَاءَ بِهَا إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمْ تُنْسَخْ وَلَا تُنْسَخُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، وَهُوَ قَوْلُهُ «وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا». تفسیر القمی: ج 1 ص 59. از او: سعد السعود للنفوس منضود: ص 83 [فیما نذکره من تفسیر علی بن ابراهیم بن هاشم] (فصل) فیما نذکره من المجلد الأول من تفسیر علی بن ابراهیم بن هاشم من الوجهة الثانية من القائمة السادسة من الكراس الثالث وقوله: «و إذ ابتلى إبراهيم ربه بكلمات فاتمهن قال إني جاعلك للناس إماما»، فقال العالم: هو الذي ابتلاه الله به مما أراه الله في نومه بذبح ابنه فأتها إبراهيم وعزم عليها فلما عزم وسلم الأمر لله قال الله: «إني جاعلك للناس إماما قال» إبراهيم: «و من ذريتي قال» الله «لا ينال عهد الظالمين» أي لا يكون بعدي إمام ظالم، ثم أنزل عليه الحنيفية وهي الطهارة عشرة أشياء، خمسة منها في الرأس، و خمسة منها في البدن، فأما التي في الرأس؛ فقص الشارب و إعفاء اللحية و طم الشعر و السواك و الخللال، و أما التي في البدن فحلق الشعر من البدن و

الختان و تقليم الأظفار و الغسل من الجنابة و الطهور بالماء فهي الحنيفة التي جاء بها إبراهيم فلم تنسخ و لا تنسخ إلى يوم القيامة، و هو قول رسول الله صلى الله عليه و آله، «وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا». و الوافي: ج 6 ص 590 و تفسير الصافي: ج 1 ص 186. و مجمع البيان في تفسير القرآن: ج 1 ص 377. تفسير نور الثقلين: ج 1 ص 120 ح 339 و بحار الأنوار: ج 12 ص 56 ب 3 از مجمع البيان. بحار الأنوار: ج 12 ص 7 ب 1 ح 16 و ج 73 ص 68 ح 3 از تفسير قمي.

2- سورة (30) الروم: آية 31.

«إِنَّ الْمَجُوسَ جَزُّوا لِحَاهُمُ وَوَقَرُوا شَوَارِبَهُمْ وَإِنَّا نَجْزُ الشَّوَارِبَ وَنُعْفِي اللَّحْيَ وَهِيَ الْفِطْرَةُ».(1)

همانا مجوس ریش های خود را می چیدند، و سیبل ها را بزرگ (و کلفت) می ساختند، و ما برخلاف ایشان پشت لب ها را کوتاه ساخته، و ریش هایمان را بلند می گذاریم، و این همان فطرت است.

و ظاهر جمله: «لَا تَبْدِيلَ لِحَلْقِ اللَّهِ» این معنی را می رساند که تغییر خلق خداوند چه حسی و چه معنوی خلاف فطرت است و معنی «لَا تَبْدِيلَ لِحَلْقِ اللَّهِ» این است که در خلق (مخلوق) خداوند هیچ تغییری را ایجاد نکنید، البته به جز آن مواردی را که شارع مقدس اجازه داده است.

دلیل دوم: حدیث و سنت مطهره محمد وآل محمد صلی الله علیهم

اشاره

روایات و احادیثی از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام است درباره این که تشبه در ظاهر به کفار و هم شکل آنان شدن جائز نیست، و از آنها استفاده می شود که تراشیدن ریش حرام و از گناهان کبیره است.

و دسته دیگری از احادیث عامه اند و شامل غیربحث ریش تراشی هم می شوند.

و دسته ای دیگر در حرمت تشبه به زنان است، و از مصادیق آن ریش نداشتن و تراشیدن آن است.

نبوی مشهور در تشبه به جنس مخالف

اشاره

«لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهَاتِ بِالرِّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ».(2)

لعنت خداوند بر زنانی که خود را شبیه مردان می کنند، و لعنت خداوند بر آن مردانی که خود را شبیه زنان می کنند.

«لَعَنَ اللَّهُ... وَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ،...».(3)

ص: 28

1- من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 130 ح 331- وقال رسول الله صلى الله عليه وآله: «إِنَّ الْمَجُوسَ جَزُّوا لِحَاهُمُ وَوَقَرُوا شَوَارِبَهُمْ ، وَإِنَّا نَجْزُ الشَّوَارِبَ وَنُعْفِي اللَّحْيَ وَهِيَ الْفِطْرَةُ». و مكارم الأخلاق: ص 67 وقال صلى الله عليه وآله: «إِنَّ الْمَجُوسَ جَزُّوا لِحَاهُمُ ، وَوَقَرُوا شَوَارِبَهُمْ ، وَإِنَّا نَحْنُ نَجْزُ الشَّوَارِبَ ، وَنُعْفِي اللَّحْيَ ، وَهِيَ الْفِطْرَةُ ، وَإِذَا أَخَذَ الشَّارِبُ يَقُولُ : بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

2- الكافي: ج 5 ص 552 ح 4 - عنه (علي بن إبراهيم)، عن أبيه، عن علي بن القاسم، عن جعفر بن محمد، عن الحسين بن زياد، عن يعقوب بن جعفر قال: سألت رجلاً أبا عبد الله أو أبا إبراهيم عليهما السلام - عن المرأة تساحق المرأة - وكان متكئاً فجلس فقال: «مَلْعُونَةٌ الرَّائِبَةُ وَالْمَرْكُوبَةُ وَمَلْعُونَةٌ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ أَثْوَابِهَا الرَّائِبَةُ وَالْمَرْكُوبَةُ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَالْمَلَائِكَةُ وَأَوْلِيَاءَهُ يَلْعُونُهُمَا وَأَنَا وَمَنْ بَقِيَ فِي أَصْدَلَابِ الرَّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ فَهُوَ وَاللَّهُ الرَّئِيسُ الْأَكْبَرُ وَلَا وَاللَّهُ مَا لَهُنَّ تَوْبَةٌ، قَاتَلَ اللَّهُ لَاقِيسَ بِنْتَ إِبْلِيسَ مَاذَا جَاءَتْ بِهِ. فَقَالَ الرَّجُلُ: هَذَا مَا جَاءَ بِهِ أَهْلُ الْعِرَاقِ. فَقَالَ: وَاللَّهِ لَقَدْ كَانَ عَلَيَّ عَهْدُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ الْعِرَاقُ وَفِيهِنَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهَاتِ بِالرِّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ».

3- لكافي: ج 8 ص 69 ح 27 - أبو علي الأشعري، عن محمد بن سالم؛ و علي بن إبراهيم، عن أبيه جميعاً، عن أحمد بن النضر و محمد بن يحيى، عن محمد بن أبي القاسم، عن الحسين بن أبي قتادة جميعاً، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: «خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَرْضِ الْخَيْلِ... ثُمَّ قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَعَنَ اللَّهُ... وَالْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَالْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ...»

لعنت خداوند بر... و بر آن مردانی که خود را شبیه زنان می کنند، و بر زنانی که خود را شبیه مردان می کنند.

و چند طریق برای این روایت از امیرالمؤمنین و امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهم السلام روایت شده، با توجه به دیگر روایات به صدور مضمون این حدیث شریف از اهل بیت اطهار علیهم السلام وثوق حاصل می شود.

دلالت این حدیث:

یکی جمله «لَعَنَ اللَّهُ...» است که ظهور محکم در حرمت دارد. و از اطلاق حدیث نبوی مشهور که ذکر شد: هر نوع شباهت نمودن زن و مرد به یکدیگر حرام است، و ریش تراشی که از مصادیق واضح شباهت به زن می باشد حرام است و صدق می کند، و امیرالمؤمنین علیه السلام تصدیق حدیث نبوی را فرموده:

«أَنَّه رَأَى رَجُلًا بِهِ تَأْنِيثٌ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ لَهُ أُخْرِجْ مِنْ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ يَا مَنْ لَعَنَهُ رَسُولُ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لَعْنُ اللَّهِ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ» (1)

مردی را که در او (تشبه به) زنانگی بود در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله دیدند و به او فرمودند: ای که رسول الله او را لعنت فرموده! از مسجد رسول الله بیرون شو. سپس فرمود: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: لعنت خداوند بر مردانی که خود را شبیه زنان کرده، و بر زنانی که خود را شبیه مردان می کنند.

و امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ حَتَّى أَتَاهُ رَجُلٌ بِهِ تَأْنِيثٌ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِ ثُمَّ أَكَبَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي

ص: 29

1- علل الشرائع: ج 2 ص 602 به 385 ح 63 - أبي رحمه الله قال: حدثنا محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد قال: حدثني أبو جعفر أحمد بن أبي عبد الله، عن أبي الجوزاء، عن الحسين بن علوان، عن عمرو بن خالد، عن زيد بن علي، عن آبائه، عن علي عليه السلام: «أنه رأى رجلاً به تأنيث في مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله؛ فقال له: اخرج من مسجد رسول الله، يا من لئنه رسول الله! ثم قال علي عليه السلام: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء، و المتشبهات من النساء بالرجال». و في حديث آخر: «أخرجوهم من بيوتكم فإنهم أقلر شيء».

الأَرْضِ يَسْتَرْجِعُ ثُمَّ قَالَ مِثْلُ هَوْلَاءَ فِي أُمَّتِي إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ مِثْلُ هَوْلَاءَ فِي أُمَّةٍ إِلَّا عَذَّبَتْ قَبْلَ السَّاعَةِ» (1)

با رسول الله صلی الله علیه وآله در مسجد نشسته بودیم مردی که در او (تشبه به) زنانگی بود نزدش آمد و بر او سلام کرد، حضرت جواب دادند، سپس رسول الله صلی الله علیه وآله «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» گویان رو به زمین کرد و فرمود: مانند اینان در امت من می باشد. همانا در امتی مانند اینان نباشد مگر این که قبل از قیامت عذاب شوند.

سند این روایت مشکلی ندارد و دلالتشان نیز تمام است.

نتیجه: هر نوع شبیه کردن خود به جنس مخالف حرام است، و این مطلب از اطلاق حدیث نبوی مشهور استفاده می شود، و ریش تراشی که از مصادیق واضح تشبه به زن می باشد حرام است. دسته دیگری از احادیث که بسیار است در خصوص ریش تراشی می باشد.

حدیث مثله کردن

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«حَلَقَ اللَّحْيَةَ مِنَ الْمُثْلَةِ وَ مَنْ مَثَلَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (2).

ریش تراشی از (موارد) مثله است، و هر کسی که مثله نماید پس لعنت خداوند بر او باد.

از آن جا که مثله عمل حرامی است (چه خود شخص انجام دهد و چه دیگری، با قصد تحقیر باشد و یا نباشد)، این روایت ظهور در حرمت دارد و دلالتش تام است.

این روایت به ضمیمه روایات دیگر... و از آن ها:

روایت جابه والیه

اشاره

گوید: امیر المؤمنین علی علیه السلام را در شرطة الخمیس (پیش قراولان لشکر، دژبانی) دیدم که يك شلاق دو شاخه در دست داشت و با آن فروشندگان جری (ماهی بی پولک) و ماهی زمار (نوعی از همان) و مار ماهی را می زد و به آن ها می فرمود:

ص: 30

1- علل الشرائع: ج2 ص602 به 385 ح 65 - و بهذا الإسناد عن علي عليه السلام قال: «كنت مع رسول الله صلى الله عليه وآله جالسا في المسجد حتى أتاه رجل به تأنيث فسلم عليه فردّ عليه ثم أكب رسول الله صلى الله عليه وآله في الأرض يسترجع، ثم قال: مثل هَوْلَاءَ في أُمَّتِي! إنه لم يكن مثل هَوْلَاءَ في أُمَّةٍ إِلَّا عَذَّبَتْ قَبْلَ السَّاعَةِ».

2- الجعفریات (الأشعثیات): ص 157- و یاسناده (أبو علی محمد بن محمد بن الأشعث الكوفی من كتابه سنة أربع عشرة و ثلاثمائة قال: حدثني أبو الحسن موسى بن إسماعيل بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال: حدثنا أبي، عن أبيه، عن جده) جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده علي بن الحسين، عن أبيه، عن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «حَلَقُ اللَّحْيَةِ مِنَ الْمُثَلَّةِ، وَ مَنْ مَثَلَ فَعَلَيْهِ؛ لَعْنَةُ اللَّهِ

«يَا بِيَّاعِي مُسُوخِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَجُنْدِ بَنِي مَرْوَانَ!».

ای فروشندگان یهودی های مسخ شده، و جند بنی مروان!

فرات بن احنف خدمت آن حضرت ایستاد و عرض کرد: یا امیر المؤمنین! جند بنی مروان چیست؟ گوید: در جواب او فرمود:

«أَقْوَامٌ حَلَقُوا اللَّحَى وَفَتَلُوا الشَّوَارِبَ فَمَسَحُوا» (1)

مردمی که ریش ها را می تراشیدند، و سبیل ها را تاب می دادند (به آن سبب) مسخ شدند.

دلالت این حدیث:

الف- افرادی در امت های سابق به سبب ریش تراشی و رها کردن سبیل مسخ شده اند.

ب- ظاهر حدیث این است که این دو عمل سبب مسخ آن ها شده است.

ج- در این روایت از تعبیر «حَلَقُوا اللَّحَى» استفاده شده که آن موجب غضب الهی و مسخ شده، و روشن است که خداوند کسی را مسخ نمی کند مگر این که عمل حرام یا گناه کبیره کرده باشد.

د- با تقریر امیر المؤمنین علیه السلام حرمت این دو عمل در اسلام نیز ثابت می شود، و با استصحاب حکم شرائع سابقه، حرمت آن در اسلام، اثبات می شود.

روایت وجوب دیه

روایاتی دیگری وجود دارد که برای حلق لحيه دیگری ديه قرار داده است:

«قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي اللَّحْيَةِ إِذَا حُلِقَتْ فَلَمْ تَنْبُتِ الدِّيَةَ كَامِلَةً فَإِذَا نَبَتَتْ فَتُلْتُ الدِّيَةَ» (2)

امیر المؤمنین علیه السلام در مورد ریش که از بیخ تراشیده شود چنان که دیگر نروید ديه کامل حکم فرمود، و چنانچه بروید يك سوم ديه.

دقت شود، روایتی که برای ریش تراشی ديه قرار داده است، در آن تعبیر به «خلقت» شده

ص: 31

1- الكافي: ج 1 ص 346 ح 3- علي بن محمد، عن أبي علي محمد بن إسماعيل بن موسى بن جعفر، عن أحمد بن القاسم العجلي، عن أحمد بن يحيى المعروف بـ بكر، عن محمد بن خداهي، عن عبد الله بن أيوب، عن عبد الله بن هاشم، عن عبد الكريم بن عمرو الخثعمي، عن حبابة الوالبيبة قالت: رأيت أمير المؤمنين عليه السلام في شرطة الخميس و معه درة لها سبابتان يضرب بها بياعي الجري و المارماهي و الزمار و يقول لهم: «يا بياعي مُسُوخِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ جُنْدِ بَنِي مَرْوَانَ!». فقام إليه فرات بن أحنف فقال: يا أمير المؤمنين! و ما جند بني مروان؟

قال: فقال له: أَقْوَامٌ حَلَّقُوا اللَّحَى ، وَفَتَّلُوا الشَّوَارِبَ فَمُسِدُّ حُجَا» فلم أر ناطقا أحسن نطقا منه، ثم اتبعته فلم أزل أققو أثره حتى قعد في رحبة المسجد.... وكمال الدين و تمام النعمة: ج2 ص536 ب49 ح1 حدثنا علي بن أحمد الدقاق رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن يعقوب قال: حدثنا علي بن محمد، عن أبي علي محمد بن إسماعيل بن موسى بن جعفر، عن أحمد بن قاسم العجلي، عن أحمد بن يحيى المعروف ببرد، عن محمد بن خداهي، عن عبد الله بن أيوب، عن عبد الله بن هشام، عن عبد الكريم بن عمر الخثعمي، عن حبابة الوالبية قالت: رأيت أمير المؤمنين عليه السلام في شرطة الخميس و معه درة يضرب بها بياح الجري والمار ماهي و الزمار و الطافي و يقول لهم: «يا بِيَاعِي مُسُوخِ بَنِي إِسْرَائِيلَ ، وَ جُنْدِ بَنِي مَرْوَانَ». فقام إليه فرات بن الأحنف فقال له: يا أمير المؤمنين! فما جند بني مروان؟ قالت: فقال له: «أَقْوَامٌ حَلَّقُوا اللَّحَى ، وَفَتَّلُوا الشَّوَارِبَ....». و الثاقب في المناقب، ص 140 فصل 3 ح 132- وهو ما روى عبد الكريم بن عمرو الخثعمي، عن حبابة الوالبية، قالت: رأيت أمير المؤمنين عليا عليه السلام في شرطة الخميس، و معه درة لها سبابتان، يضرب بها بياح الجري، و المار ماهي، و الزمار، و يقول لهم: «يا بِيَاعِي مُسُوخِ بَنِي إِسْرَائِيلَ ، وَ جُنْدِ بَنِي مَرْوَانَ». فقام إليه ابن الأحنف فقال له: يا أمير المؤمنين! و ما جند بني مروان؟ فقال: «أَقْوَامٌ حَلَّقُوا اللَّحَى وَ تَرَكَوا الشَّوَارِبَ». فلم أر ناطقا أحسن نطقا منه، ثم اتبعته، فلم أزل أققو أثره، حتى قعد في رحبة المسجد....

2- الكافي: ج 7 ص 316 ح 23 - عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الحسن بن شمون، عن عبد الله بن عبد الرحمان، عن مسمع، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي اللَّحْيَةِ إِذَا حُلِقَتْ قَلَمٌ تَنْبُتِ الدِّيَّةَ كَامِلَةً ، فَإِذَا نَبَتَتْ فُتِّلَتْ الدِّيَّةُ». و من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 150 ح 5332- في رواية السكوني: «أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَضَى فِي اللَّحْيَةِ إِذَا حُلِقَتْ فَلَمْ تَنْبُتْ بِالْدِّيَّةِ كَامِلَةً ، فَإِذَا نَبَتَتْ فُتِّلَتْ الدِّيَّةُ». و تهذيب الأحكام: ج 10 ص 250 ب 22 ح - 23 - سهل بن زياد،

روایات امر به إعفاء اللّٰحی و عدم تشبه به کفار و...

هشت روایت است که به إعفاء لحيه و کوتاه کردن شارب امر می کنند، و جزیکی بقیه روایات ظهور در وجوب إعفاء لحيه دارند.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«حُقُوا الشَّوَارِبَ وَ أَعْفُوا اللَّحَى، وَ لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ» (1)

موی سبیل را کوتاه کنید، و موی ریش ها را بگذارید (بلند شود)، و خود را شبیه یهودیان (که ریش بسیار بلند می گذارند) نسازید.

و فرمود:

«حُقُوا الشَّوَارِبَ، وَ أَعْفُوا اللَّحَى، وَ لَا تَشَبَّهُوا بِالْمَجُوسِ» (2)

موی سبیل را کوتاه کنید، و موی ریش ها را بگذارید (بلند شود)، و خود را شبیه گبران نسازید.

«إِنَّ الْمَجُوسَ جَجَزُوا لِحَاهُمْ وَوَفَّرُوا شَوَارِبَهُمْ، وَإِنَّا نَجْزُ الشَّوَارِبَ، وَ نَعْفَى اللَّحَى وَ هِيَ الْفِطْرَةُ» (3)

به درستی که مجوسیان، ریش خود را قطع می کردند، و سبیل خود را بلند می گذاشتند، و ما (اهل بیت) سبیل خود را قطع می کنیم، و ریش خود را رها می کنیم، که این عمل فطرت است.

دلالت: روایات مخالفت با کفار و مشرکین و یهود و مجوس و عدم تشبه به آن ها در حلق لحيه و قتل شوارب که منهی است به حد استفاضه رسیده اگر نگوییم که متواتر هستند.

روایت فرستادگان کسری

اشاره

حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله به فرستادگان کسری (پادشاه ایران باستان) که ریش خود را تراشیده بودند و سبیل را گذاشته بودند فرمود:

ص: 32

1- من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 130 ح 329 - وقال رسول الله صلى الله عليه وآله: «حُقُوا الشَّوَارِبَ، وَ أَعْفُوا اللَّحَى، وَ لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ».

2- معاني الأخبار: ص 291 ح 1- حدثنا الحسين بن إبراهيم بن أحمد بن هشام المكتب رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن جعفر الأسدي قال: حدثنا موسى بن عمران النخعي، عن عمه الحسين بن زيد قال: حدثني علي بن غراب قال: حدثني خير الجعافر جعفر بن

محمد، عن أبيه، عن جده، عن أبيه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «حُقِّوا الشَّوَارِبَ، وَأَعْفُوا اللَّحْيَ، وَلَا تَشَدَّ بِهَؤُلَاءِ بِالْمَجُوسِ».

3- من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 130 ح 331- وقال رسول الله صلى الله عليه وآله: «إِنَّ الْمَجُوسَ جَزُّوا لِحَاهِمُ، وَوَقَّرُوا شَوَارِبَهُمْ، وَإِنَّا نَجْزُ الشَّوَارِبَهُمْ، وَنُعْفِي اللَّحْيَ، وَهِيَ الْفِطْرَةُ». ومكارم الأخلاق: ص 67 - وقال صلى الله عليه وآله: «إِنَّ الْمَجُوسَ جَزُّوا لِحَاهِمُ وَفَرُّوا شَوَارِبَهُمْ وَإِنَّا نَحْنُ نَجْزُ الشَّوَارِبَ وَنُعْفِي اللَّحْيَ وَهِيَ الْفِطْرَةُ، وَإِذَا أَخَذَ الشَّارِبَ يَقُولُ: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

«وَيَلْكُمَا مَنْ أَمْرُكُمَا بِهِدَا؟»

وای بر شما! چه کسی شما را به این کار امر نمود؟

گفتند: رب ما یعنی کسری، حضرت فرمودند:

«لَكِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي بِإِعْفَاءِ لِحْيَتِي وَقَصِّ شَارِبِي» (1)

لیکن پروردگارم مرا به گذاشتن ریشم، و چیدن سبیلیم فرمان داده است.

دلالت روایت قضیه فرستاده کسری بر حرمت ریش تراشی تمام است، زیرا حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مقابل ریش تراشی و بلند کردن شارب از نگاه کردن به آن ها کراهت داشت، و در مورد آنها از تعبیر «ویلکما» استفاده نمود، و در تتمه حدیث دو امر (اعفاء لحيه و قص شارب) مستقل آمده و ظهور در وجوب مستقل این دو عمل دارد.

وجه این که روایات در این باره تنها از رسول الله و امیرالمؤمنین و امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیهم آمده و تعداد آنها کم است؛

1- واضح بودن حرمت ریش تراشی در زمان ائمه علیهم السلام.

2- مردم علاوه بر علم به حرمت آن، به آن عمل هم می کرده اند، لذا لازم نبوده که ائمه علیهم السلام مکررا ذکر کنند.

نکاتی لازم به ذکر:

1- در صدور روایات اهل بیت علیهم السلام تقیه ای نبوده است.

2- علماء شیعه صدور روایت هلاکت قوم لوط و خبر رسولان کسری را پذیرفته اند.

3- چیزی که در اقوام قبل چون ریش تراشی در قوم لوط در اسلام نیز حرام است، و قاعده استصحاب حکم شرائع سابقه، اثبات حرمت ریش تراشی می کند، مگر این که دلیلی قوی تر باشد که نیست

4- و این امر مسلم است که همه پیروان ائمه اطهار علیهم السلام در آن عصر ریش داشته اند، و

ص: 33

1- مستدرک الوسائل: ج 1 ص 407 - قال الكازروني في المنتقى في حوادث السنة السادسة بعد أن ذكر كتابة رسول الله صلى الله عليه وآله إلى الملوك وأنه كتب كسرى إلى عامل اليمن بازان [باذان] أن يبعثه صلى الله عليه وآله إليه: وأنه بعث كاتبه بانويه ورجلا آخر يقال له: خرخسك إليه صلى الله عليه وآله. قال: و كانا قد دخلا على رسول الله صلى الله عليه وآله و قد حلقا لحاهما و أعفيا شواربهما فكره النظر إليهما وقال: «و يلكما من أمركما بهدًا؟» قالوا: أمرنا بهذا ربنا - يعنينا كسرى. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لكن ربِّي أَمَرَنِي بِإِعْفَاءِ لِحْيَتِي ، وَ قَصِّ شَارِبِي». و بحار الأنوار: ج 20 ص 390 - و روي عن محمد بن إسحاق ... و كانا قد دخلا على رسول الله صلى الله عليه وآله

عليه وآله وقد حلقتما لحاهما وأعفيا شواربهما فكره النظر إليهما وقال: ويلكما من أمركما بهذا؟ قالوا: أمرنا بهذا ربنا يعنينا كسرى فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لكن ربي أمرني بإعفاء لحييتي، وقص شاربي،...». ومفاتيح الجنان (عربي) - الشيخ عباس القمي (مترجم: النجفي ص 1051-1052) ولما بلغ دعوة النبي صلى الله عليه وآله الملوك، كتب كسرى إلى عامل اليمن بأذان أن يبعث النبي صلى الله عليه وآله إليه فبعث كاتبه بانويه ورجلا آخر يقال له خرخسك إليه صلى الله عليه وآله، وكان قد دخلا على رسول الله صلى الله عليه وآله وقد حلقتما لحاهما وأعفيا شواربهما، فكره النظر إليهما وقال: ويلكما من أمركما بهذا؟ قالوا: أمرنا بهذا ربنا - يعنينا كسرى - فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لكن ربي أمرني بإعفاء لحييتي وقص شاربي». والسيرة الحلبية: ج3 ص 278 والسيرة، زيني دحلان هامش الحلبية: ج3 ص 66 و البداية والنهاية: ج4 ص 270 والكامل في التاريخ: ج2 ص 214 و تاريخ الأمم والملوك، الطبري: ج2 ص 279 و ج3 ص 655 وعمدة القاري: ج25 ص 20 و حياة الصحابة: ج1 ص 115 و دلائل النبوة، أبو نعيم الإصفهاني: ص 293 و 294 و الطبقات، ابن سعد: ج1/ق2 ص 147 و كنز العمال: ج6 ص 373 و المصنف، ابن أبي شيبة: ج14 ص 337 و ج8 ص 379 و تاريخ الخميس: ج2 ص 35 و تاريخ ابن خلدون: ج2 ص 36 و المنتظم: ج3 ص 283 و العبر و ديوان المبتدأ والخبر: ج2 ص 38 و السيرة النبوية، ابن كثير: ج3 ص 510.

گزارش نشده است که کسی ریش تراشیده باشد. و در قضیه جنگ جمل، طلحه و زبیر، ریش عثمان بن حنیف را نتف کردند و او وقتی که خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید گفت:

بَعَثَنِي ذَا لِحْيَةٍ وَجِئْتُكَ أَمْرَدًا (1)

و این ها دلالت می کند بر این که شیعیان در آن عصر ریش داشته اند. و شریح قاضی لعنه الله کوسه ای بود و می گفته:

حاضر ریش داشته باشم و ده هزار درهم بدهم.

5- استفاضه و یا تواتر روایات و احادیث در این باره .

6- ریش تراشی مسئله ای نیست که غرض خاص و قابل توجهی برای جعل حدیث در مورد آن وجود داشته باشد.

7- ارسال و یا ضعف برخی از روایات در این موضوع ضرر نمی زند، به جهت تواتر مضمون آن ها. و مبنای صحیح در حجیت اخبار، مورد وثوق بودن روایت است و نه ثقه بودن همه راویان آن، پس از جهت صدور مشکلی نیست.

8- در آنچه ذکر کردیم اشکالی در تمامیت دلالت بر حرمت ریش تراشی و وجوب ریش داشتن ندارند .

9- روایت و حدیثی دال بر جواز ریش تراشی وجود ندارد.

10- و بنابر این که همه فرق بر حرمت ریش تراشی هستند پس در صدور روایات اهل بیت اطهار علیهم السلام تقیه ای وجود نداشته است.

علامه امینی قدس سره در کتاب با عظمت خود الغدیر جلد 11 صفحه 155 می نویسد:

وقد اتفقت المذاهب الأربعة على وجوب توفير اللحية و حرمة حلقها و الأخذ القريب منه

11- و روایات در این موضوع در کتب مخالفین بیشتر از ما است.

نتیجه: شکی نیست که ریش تراشی حرام است و ریش گذاشتن واجب است.

ص: 34

1- شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد: ج 14 ص 18.

از روایات راجع به «صدغین» و «عارضین» که تعبیر به «أخذ» شده است استفاده «حلق» نمی شود، و هیچ گاه در روایاتی که از ریش حضرات معصومین سخن رفته، ذکر حلق و تراشیدن دو طرف صورت و یا گونه ها نگردیده و اصحاب نیز چنین بوده اند. همین طور درباره شارب، و درباره دو طرف صورت تعبیر به «أخذ» فرمودند و نه «حلق»:

«لِيَأْخُذَ أَحَدُكُمْ مِنْ شَارِبِهِ وَيَنْتِفُ شَعْرَ أَنْفِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَزِيدُ فِي جَمَالِهِ» (1).

باید هرکدام شما از سبیل خود بگیرد (کوتاه کند)، و موی بینی خود را بکند، همانا این کار برزیبایش بیافزاید.

از این روایت به قرینه مقابله «أخذ- گرفتن و کوتاه کردن» و «نتف - چیدن و قطع کردن از بیخ»، معلوم می شود که «أخذ» در معنای کوتاه کردنی به کار رفته که مواز اصل آن قطع نشده باشد.

و جواز اخذ از عارضین که در صحیح بزنطی از امام علی الرضا علیه السلام:

«أَمَّا مِنْ عَارِضِيهِ فَلَا بَأْسَ وَأَمَّا مِنْ مُقَدَّمِيهَا» (2)

و علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام:

«أَمَّا مِنْ عَارِضِيهِ فَلَا بَأْسَ وَأَمَّا مِنْ مُقَدَّمِيهِ فَلَا» (3)

آمده است، شامل حلق و تراشیدن نمی شود.

نتیجه: در حرمت ریش تراشی، فرقی میان موهای چانه و عارضان (دو طرف صورت) نیست.

و «لحیه» و ریش تمامی دو طرف صورت و چانه می باشد، چنان که محقق حلی گوید:

إن اللحية إسم لجملة العذارين و ما على اللحيين و الذقن. (4)

همانا لحيه موهای عذار (کنار گوش) و موهایی که بر دو استخوان اطراف صورت می روید و موهای چانه را شامل می شود.

ص: 35

1- الجعفریات (الأشعثیات): ص 156 و باسناده، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده علي بن الحسين، عن أبيه، عن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال: «لِيَأْخُذَ أَحَدُكُمْ مِنْ شَارِبِهِ، وَيَنْتِفُ شَعْرَ أَنْفِهِ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَزِيدُ فِي جَمَالِهِ». و قرب الإسناد: ص 67 ح 215- عن مسعدة بن صدقة قال: حدثنا جعفر بن محمد، عن آبائه: أن النبي صلى الله عليه وآله قال: «لِيَأْخُذَ أَحَدُكُمْ مِنْ شَارِبِهِ، وَ الشَّعْرَ الَّذِي فِي أَنْفِهِ، وَ لِيَتَعَاهَدَ نَفْسِهِ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَزِيدُ فِي جَمَالِهِ».

2- السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (و المستطرفات): ج 3 ص 574 ما استطرفناه من جامع البزنطي صاحب الإمام علي الرضا عليه السلام - قال: وسألته عن الرجل هل له أن يأخذ من لحيته؟ قال: «أَمَّا مَنْ عَارِضَهُ فَلَا بَأْسَ، وَأَمَّا مَنْ مُقَدَّمَهَا لَا».

- 3- قرب الإسناد: ص 296 ح 1169 علي بن جعفر، عن أخيه الإمام موسى الكاظم عليه السلام قال: و سألته عن الرجل، له أن يأخذ من لحيته؟ قال: «أَمَّا عَنْ عَارِضِهِ فَلَا بَأْسَ ، وَ أَمَّا مَنْ مُقَدِّمِهِ فَلَا». مسائل علي بن جعفر و مستدركاتهما: ص 139 ح 153.
- 4-المعتبر: ج 1 ص 142.

و العارض: الشعر المنحط عن القدر المحاذي للأذن نابتا على اللحية، و الذقن تحته: وهو مجمع اللحيين. (1)

عارض: به موئی گفته می شود که از کنار گوش سرازیر می شود و بر روی دو استخوان اطراف صورت می روید و چانه که محل اتصال این دو استخوان است، زیر آن قرار دارد.

و بسیاری از فقهاء و از آن ها سبزواری عین این عبارت را در ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد آورده است. و از این که از استخوان های دو طرف صورت، تعبیر به «لحیة» شده است، معلوم می شود که بر موهایی که می روید نیز «لحیة» صادق است و مختص به موهای چانه نیست. و همه اتفاق دارند که به دو استخوان در طرف صورت «لحیان» گفته می شود، و این بسیار بعید و بی دلیل است این که به موهای بر آن دو قسمت «لحیة» گفته نشود و فقط به موهای چانه «لحیة» گفته شود.

موهای گونه ها

«لحیة» بر موهای گونه ها نیز صدق می کند، و حلق آن ها نیز مصداق «تغییر خلق الله»، و مصداق تشبه به کفار، و تشبه به زنان است. و بسیاری از علماء لغت عرب، تصریح کرده اند که معنای «لحیة» موهای «عارضان» و «ذقن» است که گفته اند آن «خدان» است، و موهای گونه ها از «عارضان» است. و «خد» معنای وسیعی دارد که هم شامل «وجنة» (که زیر چشمان و دو طرف بینی را گویند) می شود و هم شامل «عارضان».

و تراشیدن موهای زیر لب پایین که به آن «عنققة» می گویند نیز تغییر در خلق الله است، بنابر احتیاط از تراشیدن آن پرهیز شود. و الله العالم.

مؤمنین باید مراقب باشند که ایادی شیطان رجیم علیهم لعائن الله با طراحی و ترویج مدهای شیطانی در صورت و ظاهر و لباسمان و در دیگر شؤونات، ما را از صراط مستقیم محمد وآل محمد صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین منحرف و گمراه نمایند.

ص: 36

وصلى الله على محمد وآله الأطهار

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين

والسلام عليكم ورحمة الله

يوم الأحد 27 ذي القعدة الحرام 1439

قم المقدسة عش آل محمد صلوات الله عليهم

عبيده حيدر حسين التريبي الكربلائي

ص: 37

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

